نجات از پای چوبه دار با اشک‌های ۲ دختر

مردی که همسرش را مقابل چشمان دخترش به آتش کشیده بود، با گرفتن مهلت از اولیای دم، از پای دار به زندگی برگشت. این مرد دی‌ماه سال ۱۴۰۱ به دلیل اختلافات خانوادگی همسر ۴۵ ساله‌اش را با ریختن بنزین به آتش کشید و به قتل رساند و پس از دستگیری در دادگاه به قصاص محکوم شد.

نجات ۴ سرنشین خودرو از کانال آب

به‌دنبال سقوط خودروی پژو ۴۰۵ به داخل رودخانه‌ای در جاده جیرده در رشت، سرنشینان آن به طرز معجزه‌آسایی، نجات یافتند. این حادثه شامگاه دوشنبه رخ داد و شاهدان با دیدن این حادثه، بلافاصله با آتش‌نشانی تماس گرفتند. با تلاش آتش‌نشانان رشت، ۴ سرنشین خودرو از خطر مرگ نجات یافتند.

رویداد

روایت پدران داغدار میناب در دادگاه



نخستین جلسه رسیدگی به پرونده حمله به دبستان شجره طیبه میناب با حضور خانواده‌های شهدای دانش‌آموز و آموزگار دیروز در شعبه ۵۵ دادگاه بین‌الملل به ریاست قاضی حسین‌زاده برگزار شد. بررسی ابعاد مختلف حمله، مستندات و شواهد مربوط به این حادثه و دادخواست خانواده‌های قربانیان علیه دولت آمریکا، رئیس‌جمهور این کشور و سران رژیم صهیونیستی در دستور این جلسه بود. در جریان جلسه، پدر شهید هنا دهقانی با شرح لحظات بمباران مدرسه از تلاش خود برای نجات دانش‌آموزان گرفتار در آوار گفت. او روایت کرد که پس از انفجارها وارد ساختمان شد و توانست ۲ دانش‌آموز مجروح را نجات دهد، اما خودش زیر آوار گرفتار شد و ۳ روز بعد، خبر شهادت دخترش را دریافت کرد.

مهیا فتحی، از دانش‌آموزان بازمانده این حمله نیز در جایگاه حاضر شد و مشاهدات خود از روز حادثه را بیان کرد. او نقاشی‌ای از یک موشک به قاضی ارائه داد که به درخواست دادگاه به‌عنوان مستند پرونده ثبت شد. همچنین تصویر لباس ورزشی سوخته یکی از قربانیان برای ثبت در پرونده ارائه شد. در این جلسه، مژده لواسانی به‌عنوان وکیل دادخواهان و سیدحسام نواب صفوی به‌عنوان وکیل خانواده‌های شهدا حضور داشتند. نواب صفوی با تأکید بر ضرورت بررسی اطلاعات در اختیار مقامات و فرماندهان آمریکایی پیش از حمله گفت: خانواده‌های داغدار حق دارند بدانند تصمیم‌گیرندگان هنگام تأیید حمله در مورد حضور دانش‌آموزان و آموزگاران در مدرسه چه می‌دانستند و با وجود این اطلاعات چه تصمیمی گرفتند. وی با اشاره به تصاویر و مستندات حادثه اظهار کرد: ابعاد فاجعه به اندازه‌ای بود که مشاهده تصاویر آن در هر دین و جایگاهی تکان‌دهنده است. ابوبکر نورمحمد، وکیل بین‌المللی حمله به مدرسه را با استناد به شواهد و اصول حقوق بشردوستانه جنایت جنگی توصیف کرد و گفت: صلح بدون عدالت محقق نمی‌شود. در پایان، قاضی دادگاه اعلام کرد با وجود ابلاغ قانونی، خواندگان در جلسه حاضر نشده و لایحه دفاعیه‌ای نیز ارائه نکرده‌اند.

قاتل برای فرار از دست پلیس در دریاماهیگیری می‌کرد

دلتنگی دردسرساز قاتل فراری



گزارش

الهه فراهانی | روزنامه‌نگار | مردی ۳۳ ساله پس از قتل جوانی در همدان، ۴ سال در جنوب کشور مخفی شده و به ماهیگیری روی آورده بود اما دلتنگی در نهایت او را به دام پلیس انداخت.

به گزارش همشهری، اسفند سال ۱۴۰۱ گزارش قتل پسری جوان در یکی از شهرهای استان همدان به پلیس اعلام شد؛ براین اساس پسر جوان که در جریان درگیری هدف ضربات چاقو قرار گرفته بود پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد.

فرار قاتل

بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که درگیری به‌دلیل جای پارک خودرو رخ داده است. قاتل که پسری جوان به نام سامان بود پس از درگیری با مقتول او را هدف ضربات چاقو قرار داده و سپس گریخته بود. در این شرایط مأموران برای دستگیری سامان راهی محل سکونت وی شدند اما او بلافاصله پس از درگیری، وسایل خود را جمع کرده و گریخته بود. همین کافی بود که ردیابی‌ها به شکل ویژه آغاز شود تا مخفیگاه قاتل فراری به دست آید.

تماس رازگشا

۴ سال از زمان جنایت گذشت و همچنان تحقیقات پلیسی برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل سرنخ مهمی به‌دست کارآگاهان افتاد. فردی با پلیس پایتخت تماس گرفت و گفت: حدود ۴ سال قبل یکی از بستگان دور ما به نام سامان در جریان درگیری مرتکب قتل شد. در آن زمان پلیس همدان اعلام کرد که هرکس وی را دید اطلاع‌رسانی کند. وی ادامه داد: امروز حوالی میدان شوش، در حال گذر بودم که به‌صورت اتفاقی سامان را در خیابان دیدم. او را تعقیب کردم و دیدم در مسافرخانه‌ای ساکن است.

پس از این تماس، هماهنگی‌های قضایی با قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران انجام شد و تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی در عملیاتی ضربتی، متهم را در مسافرخانه دستگیر کردند. وی در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و پرونده به‌دلیل اینکه حادثه در همدان رخ داده بود، به دادسرای جنایی همدان ارجاع شد.

گفت و گو

فکر می‌کردم آب‌ها از آسیاب افتاده است

سامان متهم به قتل، جوانی ۳۳ ساله است. او در مدت ۴ سال فرارش، سرنوشت عجیبی را تجربه کرده است. او گمان می‌کرده که آب‌ها از آسیاب افتاده و پلیس دیگر دنبالش نیست.

از جزئیات درگیری‌ای که ۴ سال قبل در همدان رخ داد، بگو

اسفند سال ۱۴۰۱ بود. می‌خواستم ماشینم را مقابل خانه‌مان پارک کنم اما دیدم یک خودروی سواری آنجا پارک شده است. پرس‌وجو کردم و متوجه شدم راننده‌اش مرد جوانی است که او را نمی‌شناسم و غریبه است.

مقتول برای چه به آنجا آمده بود؟

با دختر مورد علاقه‌اش به آن محل آمده و ظاهرا منتظر او بود. وقتی به او اعتراض کردم، عصبانی شد و درگیری میان ما شکل گرفت.

درگیری چطور به قتل ختم شد؟

اول با هم دعوا کردیم اما مردم آمدند و میانجیگری کردند و ماجرا تمام شد. مقتول همراه دختر مورد علاقه‌اش رفت، ولی مدت کوتاهی بعد با ۵ نفر از دوستانش برگشت. آنها چاقو و چوب‌دستی داشتند و به من حمله کردند. در این میان برادرانم هم برای جدا کردن ما رسیدند اما نتوانستند درگیری را تمام کنند. خیلی عصبانی شده بودم. چاقو و چوب‌دستی را از دست مهاجمان گرفتم و با چاقو چند ضربه به مقتول زدم؛ وقتی دیدم مقتول زخمی شده، ترسیدم و فرار کردم.

کجا رفتی؟

وقتی شنیدم مرد جوان فوت کرده و پلیس دنبالم می‌گردد تصمیم گرفتم فرار کنم و حتی ارتباطم را با خانواده‌ام قطع کردم.

چطور سر از جنوب درآوردی؟

ابتدا رفتم شهرهای شمال غربی کشور تا از طریق مرز، خودم را به خاک ترکیه برسانم. با چند قاچاقچی قرار گذاشتم اما سر قرار به من حمله کردند، پول‌ها و سرمایه‌ام را دزدیدند و فرار کردند. تا چند روز در شوک بودم. از سوی دیگر نمی‌توانستم از خفت‌گیران شکایت کنم.

۲۴ ساعت فکر کردم تا اینکه تصمیم گرفتم به شهرهای جنوبی بروم و آنجا پنهان شوم.

آنجا چه کار می‌کردی؟

به ماهیگیری روی آوردم. ابتدا با هویت جعلی کارگر باربری شدم و بعد از ترس دستگیری رفتم در آب‌های جنوب کشور. تا مدت‌ها صیادی می‌کردم و عاشق کارم بودم.

پس چرا به تهران برگشتی؟

دلم برای خانواده‌ام تنگ شده بود و فکر می‌کردم بعد از این همه سال آب‌ها از آسیاب افتاده است. فقط ۲ روز بود که به تهران آمده بودم و در مسافرخانه‌ای در شوش اقامت داشتم تا کار ساختمانی پیدا کنم. فکرش را هم نمی‌کردم کسی من را بشناسد. از طرف دیگر، اصلا فکر نمی‌کردم پلیس همچنان دنبالم باشد. می‌خواستم با خانواده‌ام تماس بگیرم و از آنها بخواهم که به تهران بیایند تا ببینمشان. ۴ سال بود که آنها را ندیده بودم و خیلی دلتنگشان بودم اما در نهایت گیر افتادم.

داخلی

اعتراف پدر و مادر به قتل دختر



در حادثه‌ای تلخ در شهرستان سنندج، پدر و مادری به‌دلیل اختلافات خانوادگی دختر ۱۹ ساله خود را به قتل رساندند. به گزارش همشهری، چند روز پیش زن و مردی با پلیس و اورژانس تماس گرفتند و از مرگ دخترشان خبر دادند. با حضور امدادگران اورژانس در محل حادثه، معلوم شد که دختر ۱۹ ساله ساعاتی قبل جان باخته است و این در حالی بود که پدر و مادرش مدعی بودند که وی احتمالا دست به خودکشی زده است. با حضور تیمی از مأموران پلیس آگاهی در محل حادثه و بررسی‌های تخصصی معلوم شد که دختر جوان به قتل رسیده است. در این شرایط پدر و مادرش تحت بازجویی قرار گرفتند و درنهایت به قتل دخترشان اعتراف کردند. آنها گفتند به‌دلیل اختلافات خانوادگی که با دخترشان داشته‌اند، تصمیم به قتل وی گرفته و پس از خوراندن تعداد زیادی قرص، او را به قتل رسانده‌اند. به گفته سرهنگ شهرام عبدی، رئیس پلیس آگاهی استان کردستان، متهمان در اختیار مرجع قضایی قرار گرفتند.

۱۴ نفر قربانی الکل سمی

با مرگ ۸ نفر در نیشابور، یک نفر در شیراز و ۵ نفر در استان هرمزگان، آمار قربانیان سونامی جدید مشروبات الکلی تقلبی به ۱۴ نفر رسید. به گزارش همشهری، موج جدید مسمومیت با الکل سمی از نیشابور آغاز شد و براساس تازه‌ترین آمار، ۲۱۲ نفر از جمله ۱۲ دانش‌آموز در این شهر و روستاهای اطراف بر اثر مصرف مشروبات تقلبی مسموم شده، ۴ نفر جان‌باخته و ۴ نفر دچار مرگ مغزی شده‌اند. در استان هرمزگان تعداد مسمومان از ۱۶ به ۲۸ نفر و شمار جان‌باختگان از ۳ به ۵ نفر افزایش یافته است. اما در شیراز و مرودشت هم بیش از ۳۰ نفر بر اثر استفاده از مشروب سمی مسموم شده و یک نفر جان باخته است. تحقیقات پلیس با دستگیری عاملان توزیع مشروبات سمی برای شناسایی منشأ این حوادث ادامه دارد.

قانون جدید مدیریت پسماند آماده طرح در صحن علنی مجلس



امیرحسین شمس، مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست: با گذشت بیش از ۲ دهه از تصویب قانون مدیریت پسماند، همچنان شاهد مشکلات و چالش‌های متعددی در حوزه مدیریت پسماند هستیم. قانون جدید مدیریت پسماند در بیش از ۶۰ ماده برای طرح در صحن علنی مجلس آماده شده است.

ستاد تخصصی ثبت جهانی تپه ازبکی تشکیل شد

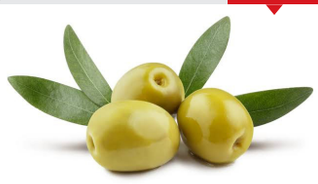


سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی: ستاد تخصصی ثبت جهانی تپه ازبکی نظرآباد تشکیل شد. این محوطه یکی از نقاط مهم تمدنی ایران‌زمین به شمار می‌رود و یافته‌های باستان‌شناسان در جریان ۸ دوره کاوش انجام‌شده در آن، شواهد ارزشمندی از پیشینه تاریخی منطقه را آشکار کرده است.

صفحه‌آرا: بهروز قلی‌پور

مناسبت

راحله عبدالحسینی؛ روزنامه‌نگار



گنجینه ژنتیک زیتون ایران

تک درختان کهنسال زیتون که عمری به درازای ۷ قرن دارند و در مناطق دورافتاده کشور به حیات خود ادامه داده‌اند، حامل ژن‌هایی هستند که می‌توانند آینده زیتون‌کاری کشور را تغییر دهند. برخی از این درختان کهنسال، تنها نمونه باقیمانده از یک ژنوتیپ هستند؛ یعنی سرمایه‌ای که با از بین رفتن یک درخت، برای همیشه از دست می‌رود. همین نگرانی، حدود یک دهه پیش، پیش‌زمینه شکل‌گیری کلکسیون ژنتیک زیتون در میندوشت گلستان شد.

محمود حقیقی از ۱۰ سال پیش با پروژه تهیه کلکسیون ژنتیک زیتون در میندوشت همکاری می‌کند. این فعال حوزه زیتون می‌گوید: متوجه شدیم در نقاط مختلف ایران درختان کهنسال و تک‌درختان پراکنده زیتون وجود دارند.

تصمیم گرفتیم از آنها نمونه‌گیری کنیم و نسخه‌های تکثیرشده‌ای از این درختان به‌وجود بیاوریم تا در حافظت از ژنوتیپ‌های آنها نقش داشته باشیم. اگر یک درخت کهنسال در نقطه‌ای از کشور به هر دلیل از بین برود، برای مثال، در مسیر اجرای یک پروژه جاده‌ای قرار بگیرد، تخریب شود یا اتفاق دیگری برای آن رخ دهد، ژنوتیپ آن نیز برای همیشه از بین می‌رود. محمود حقیقی می‌افزاید: حدود ۱۰ سال پیش، ۱۰۰ ژنوتیپ زیتون از نقاط مختلف کشور و از ۱۹ استان جمع‌آوری شده است. این نمونه‌ها در ۳ تکرار در کلکسیون نگهداری می‌شوند؛ به این معنا که مجموعه شامل ۳۰۰ درخت از ۱۰۰ ژنوتیپ است. به گفته حقیقی، این ذخایر ژنتیک متعلق به آینده کشور در حوزه صادرات زیتون، تولید و توسعه صنایع تبدیلی زیتون، به‌ویژه روغن زیتون هستند. حقیقی مهم‌ترین دستاورد ۱۰ سال گذشته این پروژه را جمع‌آوری داده‌های مورفولوژیک و مولکولی درباره ژنوتیپ‌های زیتون می‌داند؛ داده‌هایی که امکان شناسایی ژنتیک‌های امیدبخش را فراهم کرده‌اند.

او ادامه می‌دهد: وقتی از ژنوتیپ امیدبخش صحبت می‌شود، منظور درختی است که براساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده از آن، امیدوار هستیم برای برنامه‌های آینده به‌ویژه تجاری‌سازی ژنوتیپ‌ها، مناسب باشد. این اطلاعات دریچه جدیدی در تحقیقات زیتون باز کرده است؛ به این معنا که می‌توان ژنوتیپ‌های مختلف را با یکدیگر تلفیق کرد. به گفته حقیقی، زمانی که یک ژنوتیپ امیدبخش به مرحله تجاری‌سازی و تکثیر برسد، امکان معرفی ارقام مناسب برای اقلیم‌های مختلف کشور فراهم می‌شود.

بلوط‌ها، قربانی عسل

سودجویان برای برداشت عسل وحشی بلوط‌های کهنسال زاگرس را قطع می‌کنند

گزارش

مجید جباری | روزنامه نگار | این روزها بلوط‌های چندصدساله زاگرس نه فقط قربانی زغال‌گیری و قاچاق چوب که طعمه سودجویانی شده‌اند که برای رسیدن به کندوهای زنبورهای وحشی تنه درختان را با اره‌برقی می‌شکافند و گاه تمام درخت را از پا درمی‌آورند؛ شیوه‌ای تازه از تخریب جنگل که به بهانه برداشت چند کیلوگرم عسل، میراث چندصدساله زاگرس را نابود می‌کند.

شیوه جدید تخریب زاگرس

یک فعال محیط‌زیست از رواج شیوه‌ای تازه برای تخریب درختان بلوط خبر می‌دهد و می‌گوید: «بلوط‌های ارزشمند زاگرس این‌روزها قربانی زیاده‌خواهی افرادی شده‌اند که با اره‌برقی به جان درختان کهنسال می‌افتند تا لانه زنبورهای وحشی و عسل را از داخل تنه آنها بیرون بیاورند.» صابر الفتی که مدیرعامل سازمان مردم‌نهاد سرود سبز زاگرس است، دراین‌باره به همشهری توضیح می‌دهد: «انتشار تصاویر برداشت عسل از تنه درختان بلوط و تبلیغ فروش این محصول در شبکه‌های اجتماعی به گسترش این رفتار دامن زده است. برخی افراد با دیدن این تصاویر و تصور درآمدزایی برای پیداکردن لانه زنبورها درختان تنومند را قطع می‌کنند و در بسیاری موارد حتی پس از قطع درخت، خبری از عسل هم نیست!»



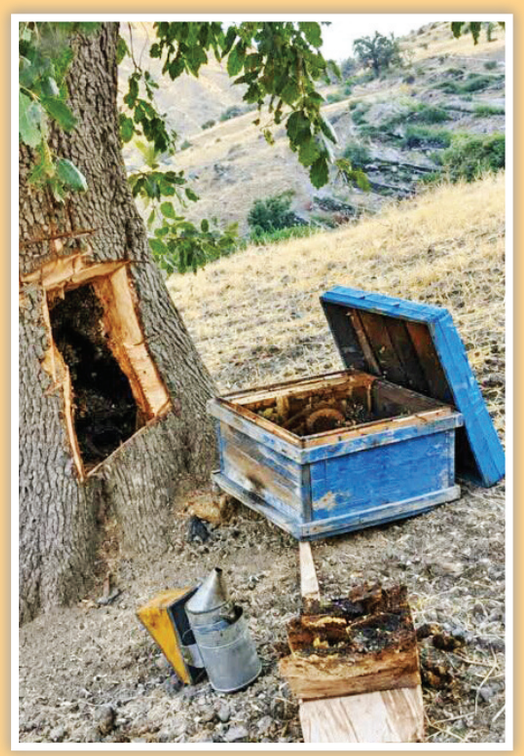
او با اشاره به انتشار گزارش‌هایی درباره قطع درختان بلوط برای برداشت عسل در مریوان می‌گوید: «در یکی از این موارد، ۴ نفر که درختان بلوط زیادی را قطع کرده بودند، با پیگیری یگان حفاظت شناسایی و دستگیر شدند؛ البته موضوع فقط به این ۴ نفر یا یک منطقه محدود نیست.»

جریمه‌هایی که بازدارندگی ندارند

یک حقوقدان و استاد دانشگاه، با اشاره به قوانین موجود برای حفاظت از درختان جنگلی می‌گوید: «قطع غیرمجاز درختان جنگلی ممنوع است و برای متخلفان مجازات‌هایی درنظر گرفته شده، اما میزان این مجازات‌ها با منفعت اقتصادی حاصل از تخلف تناسب ندارد.» مصطفی نوری در گفت‌وگو با همشهری تأکید می‌کند: «برای گونه‌های مختلف درختان جنگلی، میزان جریمه در آیین‌نامه‌ها تعیین شده و این مبالغ هر ۳ سال بازنگری می‌شوند، اما همچنان بازدارندگی لازم را ندارند. در چنین شرایطی، متخلف ممکن است حتی با درنظرگرفتن احتمال شناسایی و پرداخت جریمه، قطع درخت را به‌صرفه بداند.» این حقوقدان یکی دیگر از مشکلات را شناسایی‌نشدن بخش زیادی از تخلفات می‌داند و تصریح می‌کند: «فقط بخشی از درختانی که به‌صورت غیرقانونی قطع می‌شوند، کشف و برای متخلفان پرونده تشکیل می‌شود؛ بنابراین پایین‌بودن احتمال شناسایی در کنار جریمه‌های غیربازدارنده، انگیزه ارتکاب تخلف را افزایش می‌دهد.»



نوری تأکید می‌کند: «در قوانین مربوط به جرائم علیه منابع طبیعی و محیط‌زیست باید بازنگری شود و میزان مجازات‌ها به گونه‌ای تغییر کند که ارتکاب تخلف برای افراد سود اقتصادی نداشته باشد.»



حفاظت فیزیکی به‌تنهایی کافی نیست

معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور قطع درختان برای دستیابی به عسل، تولید زغال یا هر هدف دیگری را تخلف و جرم می‌داند و می‌گوید: «هر اقدامی که به قطع یا ازبین‌رفتن درخت منجر شود، مشمول برخورد قانونی است. نیروهای یگان حفاظت، جنگلبانان و مأموران منابع طبیعی نیز موظف هستند درصورت شناسایی چنین تخلفاتی، پرونده تشکیل دهند و متخلفان را برای رسیدگی و مجازات به قوه قضاییه معرفی کنند.»

کامران پورمقدم در گفت‌وگو با همشهری با اشاره به عوامل انسانی تخریب جنگل‌های زاگرس می‌گوید: «بخش مهمی از این فعالیت‌ها با مسائل معیشتی و کسب درآمد ارتباط دارد و صرف برخورد با متخلفان نمی‌تواند این چرخه را متوقف کند.» معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی، اجرای طرح‌های جنگلداری اجتماعی را یکی از راهکارهای کاهش فشار معیشتی بر جنگل‌های زاگرس می‌داند. او همچنین تقویت یگان حفاظت را ضروری می‌داند و درعین‌حال تأکید می‌کند که سازمان منابع طبیعی پیگیر تهیه پیشنهادی برای بازنگری در جرایم و مجازات‌های مربوط به تخریب عرصه‌های ملی و پوشش جنگلی است.»

کوتاه‌تر از گزارش

محمود مولایی؛ روزنامه‌نگار

میراث سبز روستای زرتشتی‌نشین

در هفتادُر، روستای تاریخی اردکان یزد، درختچه‌هایی باقی مانده‌اند که عطر برگ‌هایشان با خاطره‌های قدیمی مردم و آیین زرتشتی گره خورده است؛ «مورد» یا «مورت» به‌عنوان میراثی زنده که اگر برای نگهداری‌اش کاری نشود، ممکن است آخرین بازمانده‌هایش هم از بین بروند. به گفته یکی از اهالی روستای هفتادُر، این گیاه که از گذشته در فرهنگ مردم منطقه و به‌ویژه زرتشتیان جایگاه ویژه‌ای داشته به‌دلیل تغییر مسیر و سیمانی شدن جوی آب، کاهش رطوبت و بی‌توجهی به نگهداری از آن بخش زیادی از رویشگاه خود را از دست داده و اکنون فقط قسمت کوچکی از آن باقی مانده است.

ابراهیم عامری به همشهری می‌گوید: «این گیاه درختی بزرگ نیست، بلکه درختچه‌ای است که در امتداد جوی آب قدیمی و میان باغ‌های روستا رشد می‌کرد. در گذشته، این درختچه در طول مسیر جوی آب گستردگی زیادی داشت اما پس از آنکه جوی را سیمانی کردند و میزان آب و رطوبت اطراف آن کاهش یافت بخش عمده‌ای از گیاه خشک شد و فقط چند متر از آن باقی ماند.»



او با بیان اینکه این گیاه از گذشته در منطقه شناخته‌شده بوده است، ادامه می‌دهد: «در برخی کتاب‌های مربوط به آثار تاریخی، فرهنگ و گیاهان بومی یزد به این درختچه اشاره شده و درباره ارتباط آن با آیین زرتشتی توضیحاتی آمده است. تا جایی که اطلاع دارم زرتشتیان این گیاه را مقدس می‌دانستند و به‌دلیل ویژگی‌ها و خواص احتمالی‌اش، از قسمت‌های مختلف آن استفاده می‌کردند.» عامری توضیح می‌دهد: «در گذشته، هنگامی که فردی در روستا فوت می‌کرد شاخه‌هایی از این گیاه را می‌چیدند و روی مزار او قرار می‌دادند. این رسم در میان زرتشتیان وجود داشت اما بعدها مسلمانان منطقه نیز ۵۰-۴۰ سال پیش این کار را انجام می‌دادند. به‌نظر می‌رسد عطر خوش برگ‌های گیاه یکی از دلایل استفاده از آن در مراسم مربوط به درگذشتگان است.» او درختچه مورد را بخشی از خاطره تاریخی و فرهنگی این روستا می‌داند و می‌گوید: «باقی ماندن همین بخش کوچک نیز اهمیت دارد و اگر برای حفاظت از آن اقدامی نشود، ممکن است آخرین نمونه‌های این گیاه در روستا از بین برود.»